

# اللباب فی تفسیر الکتاب

تألیف:  
علامہ آیت اللہ سید کمال حیدری

ترجمہ:  
حیدر اشرف آل طہ

ویرایش و بازنگری:  
دکتر مسعود فکری

پبلشرز  
مکتبہ المدینہ  
لاہور  
۰۸۶۷۵۶



دانشگاه امام صادق

انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)  
تهران: بزرگراه شهید چمران،  
پل مدیریت  
تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲  
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵  
E-mail: isu.press@yahoo.com  
فروشگاه اینترنتی:  
www.ketabesadiq.ir

اللیاب فی تفسیر الكتاب ■ تألیف: آیت‌الله سید کمال حیدری ■ مترجم: حیدر اشرف آل طه  
ویرایش و بازنگری: دکتر مسعود فکری ■ ناشر: دانشگاه امام صادق (ع) ■ چاپ اول: ۱۳۹۲  
قیمت: ۱۴۵۰۰۰ ریال ■ شمارگان: ۵۰۰ نسخه چاپ و صحافی: زلال کوثر ■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۲۷۹-۲

همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.

سرشناسه: حیدری، سیدکمال، ۱۳۳۸ -  
عنوان و نام پدیدآور: اللیاب فی تفسیر الكتاب / تألیف سیدکمال حیدری؛ ترجمه حیدر  
اشرف آل طه؛ ویرایش و بازنگری مسعود فکری  
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۲.  
مشخصات ظاهری: ۳۰۸ ص.  
فروست: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)؛ ۵۶۵ فلسفه و الهیات: ۵۲  
شابک: ۱۴۵۰۰۰ ریال؛ ۲-۲۷۹-۲۱۴-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰  
عنوان قراردادی: اللیاب فی تفسیر الكتاب، فارسی  
موضوع: تفاسیر شیعه - قرن ۱۴  
موضوع: تفاسیر شیعه - مطالعات تطبیقی  
موضوع: تفاسیر شیعه - قرن ۱۴ - نقد و تفسیر  
شناسه افزوده: آل طه، حیدر اشرف، مترجم  
شناسه افزوده: فکری، مسعود، ۱۳۳۴ - ویراستار  
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)  
رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ زل ۹۴/۹۸ BP  
رده بندی دیویی: ۲۹۷ ۱۷۹  
شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۲۲۲۱۶

### فهرست مطالب

- سخن ناشر ..... ۷
- نگاهی گذرا به زندگی نامه علمی آیت‌الله سید کمال حیدری ..... ۹
- مقدمه ویراستار ..... ۱۳
- فصل ۱. مباحث مقدماتی ..... ۱۵
- فصل ۲. روش‌ها و شیوه‌ها ..... ۲۷
- فصل ۳. قاعده وضع لفظ برای روح معانی و دلالت مصداق بر غایت و غرض ..... ۵۷
- فصل ۴. قاعده جری و انطباق ..... ۶۹
- فصل ۵. محکم و متشابه در قرآن کریم ..... ۸۱
- فصل ۶. تأویل القرآن (نظریه و نتایج) ..... ۹۱
- فصل ۷. ظاهر و باطن قرآن کریم ..... ۱۱۱
- فصل ۸. مراتب وجودی قرآن ..... ۱۲۵
- فصل ۹. تأثیر فهم مفردات قرآنی در تفسیر ..... ۱۴۳
- فصل ۱۰. تکرار و اهمیت مفردات قرآن در فهم متن قرآن کریم ..... ۱۴۹
- فصل ۱۱. سوره جمد ..... ۱۵۷
- منابع و مأخذ ..... ۴۰۳

واحد قیمت مصدق  
پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی  
شماره: ۲۵۳۲۸۰  
تاریخ: ۱۳۹۳/۳/۲۲

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»  
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ

(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۰)

### سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنهاست تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق علیه السلام را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (انشاءالله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

## نگاهی گذرا به زندگی‌نامه علمی آیت‌الله سید کمال حیدری

وی در سال ۱۳۷۶ هـ ق برابر با ۱۹۵۷ م در کربلاء حسینی چشم به دنیا گشود. از دوران نوجوانی در کنار دروس رسمی به دروس حوزوی علاقمند شده و در دروس فقهی اصولی برخی بزرگان شرکت می‌نمود. از لحاظ اجتماعی و سیاسی نیز فعالیت‌هایی داشت که در نهایت منجر به تعقیب ایشان از طرف حکومت بعثی گردید و ایشان مجبور به ترک کربلاء و نجف شده در شهر مقدس قم رحل اقامت افکندند. وی برادر سه شهید است که به دست رژیم ظالم بعثی به مقام شهادت نائل شدند.

### زندگی علمی

خدمت علمی به مکتب اهل بیت و عصمت و طهارت افتخار و موهبتی الهی است که نصیب تعدادی از بزرگان علم و دانش شده است. این مهم با غور در آیات کریمه قرآنی و روایات و احادیث شریفه و صرف عمر در تدبّر و اندیشیدن در آیات الهی حاصل می‌شود. و نیاز به مجاهده شبانه روزی در کسب دانش‌های مختلف اعم از فقه و اصول و علم الحدیث و درایسه و تفسیر و کلام و فلسفه و علوم ادبی و... دارد. از این رو از دانشمندان بسیاری که به علوم و حیانی اهل بیت عصمت می‌پردازند تعداد کمی به قله‌های دانش می‌رسند. از جمله این بزرگان می‌توان به جناب آیت‌الله سید کمال حیدری اشاره نمود.

ایشان در ابتدا در کربلاء و سپس در نجف اشرف به کسب علم از علماء و فقهای آن روزگار مبادرت ورزیدند. از اساتید ایشان در آن دوره می توان به آیت الله سید محمدتقی حکیم، آیت الله شهید سید عبدالصاحب حکیم، آیت الله شهید سید محمدباقر صدر، آیت الله سید ابوالقاسم خوئی، آیت الله میرزا علی غروی، آیت الله سید نصرالله مستنطاب اشاره نمود. البته بیش از همه از روش علمی و نیز حضور اجتماعی شهید صدر تأثیر پذیرفتند تا جایی که از وکلای شرعی ایشان در کربلاء شدند. تأثیر پذیری ایشان از شهید صدر در بسیاری از آثار علمی ایشان مشهود است.

پس از این که در شهر مقدس قم رحل اقامت افکندند به کسب فیض از علمای بزرگی چون آیت الله جواد تبریزی و آیت الله وحید خراسانی در فقه و اصول و آیت الله جوادی آملی و علامه حسن زاده آملی در تفسیر و فلسفه و عرفان و ..... پرداختند. از این پس خود در مسند تدریس علوم اهل بیت نشسته و علاوه بر تدریس مکرر دوره های سطح چندین سال به تدریس دروس خارج فقه و اصول و فلسفه و عرفان و تفسیر و عقاید مشغول هستند. و از آنجا که تمامی تدریس های ایشان به زبان عربی بوده توفیق این را داشته اند که جهان عرب را با معارف عمیقی که در حوزه های علمیه شیعه به خصوص نزد بزرگانی چون علامه طباطبائی (ره) و امام خمینی (ره) و ..... بوده آشنا سازند. از توفیقات ایشان این بوده است که در برنامه های ماهواره ای که سال های متمادی بیش از ۱۰ سال - به زبان عربی در پاسخ به اندیشه های انحرافی جریان سلفی وهابی داشته اند توانسته اند قشر عظیمی از مخاطبین این اندیشه ها را از اندیشه های ناب اهل بیت سیراب سازند. این امر تا آنجا پیش رفته است که مراکز عمده سلفی گری و وهابی گری برای پاسخ دهنده به ایشان جایزه های هنگفتی تعیین نموده اند. ایشان علاوه بر تدریس در تألیف آثار علمی نیز از توفیقات بسیاری برخوردار بوده اند که بیش از ۱۰۰ جلد اثر در حوزه های گوناگون قرآنی تفسیری، فقهی اصولی، عقیدتی کلامی، فلسفی منطقی و اخلاقی و ..... داشته اند.

از جمله آثار ایشان می توان به عناوین ذیل اشاره نمود (شایان ذکر است برخی از این عناوین در حال ترجمه به فارسی است):

## آثار علمی:

- الف) آثار قرآنی
۱. منطق فهم القرآن ۳ جلد
  ۲. اللباب فی تفسیر الكتاب
  ۳. یوسف الصدیق رؤیة قرآنیة
  ۴. الأسماء الحسنی فی القرآن الکریم
  ۵. أصول التفسیر و التأویل أصول التفسیر و التأویل (مقارنة منهجية بين آراء الطباطبائي و أبرز المفسرين) ۲ جلد
  ۶. الاعجاز بين النظرية و التطبيق
  ۷. أولویات منهجية فی فهم المعارف الدينية
  ۸. التقوی فی القرآن
  ۹. صيانة القرآن من التحريف
  ۱۰. مفهوم الشفاعة فی القرآن
  ۱۱. المعاد رؤیة قرآنیة ۲ ج
  ۱۲. العرش و الكرسي فی القرآن الکریم
- ب) آثار عقایدی:
۱۳. التوحيد بحوث تحليلية فی مراتبه ومعطياته ۲ ج
  ۱۴. الشفاعة بحوث فی حقیقتها وأقسامها ومعطياتها
۱۵. علم الإمام (بحوث فی حقیقة ومراتب علم الأئمة المعصومین)
  ۱۶. العصمة بحث تحليلی فی ضوء المنهج القرآنی
  ۱۷. فلسفة الدين (مدخل لدراسة منشأ الحاجة إلى الدين و تكامل الشرايع)
  ۱۸. البداء و كیفیة وقوعه فی العلم الإلهی
  ۱۹. القضاء والقدر وإشكالية تعطيل الفعل الإنسانی
  ۲۰. رؤیة الله بین الإمكان و الامتناع
  ۲۱. الغلو حقیقته و أقسامه و از آثاری که با رویکرد تاریخی و حدیثی در باب کلام مذاهب نگاشته اند می توان آثار ذیل را نام برد:
  ۲۲. التوحيد عند ابن تیمیة
  ۲۳. معالم الاسلام الأموی
  ۲۴. السلطة و صناعة الوضع و التأویل (دراسة فی حياة معاوية)

- ج) آثار فلسفی - منطقی  
 ۲۵. شرح منطق مظفر  
 ۲۶. شرح نهاية الحكمة  
 ۲۷. شرح حکمت متعالیه (اسفار اربعه)  
 ۲۸. بحوث فی علم النفس الفلسفی  
 ۲۹. فلسفه صدر المتألهین  
 ۳۰. مدخل إلى مناهج المعرفة عند الاسلاميين  
 ۳۱. المذهب الذاتى فى نظرية المعرفة
- د) آثار اصولی - فقهی  
 ۳۲. شرح حلقات شهید صدر  
 ۳۳. معالم التجديد الفقهی (معالجة إشكالية الثابت و المتغیر فى الفقه الإسلامی)  
 ۳۴. بحوث فى عملية الاستنباط الفقهی  
 ه) أخلاق و عرفان  
 ۳۵. العرفان الشيعی رؤى فى مرتكزاته النظرية و مسالكة العملية  
 ۳۶. التربية الروحية

### مقدمه ویراستار

بی گمان قرآن کریم به عنوان برجسته ترین منبع شناخت اسلام و دریافت پیام الهی برای بشر به شمار آمده و همواره مورد توجه و اهتمام مسلمانان بوده است. از هنگام نزول این کتاب آسمانی بر پیامبر عظیم الشأن اسلام (ص) تا امروز که قرن های پیاپی بر آن سپری شده است، اندیشمندان مسلمان با گوناگونی روش ها و نگرش ها و ابزارها در صدد کشف گنجینه های این اقیانوس بیکران معرفت و آگاهی بوده، کوشیده اند به فراخور نیاز و درخواست مخاطبان خود از این حقیقت ناب پرده بر گیرند. برخوردارى این کتاب از جمند از لایه های عمیق و تو در تو و بی پایان از آگاهی بخشی در عرصه های گوناگون و مرتبط با ایمان و عمل انسان و شوق دریافت هر چه بهتر پیام خداوندی برای بشریت موجب گردید تا دانشی در میان مسلمانان با نام تفسیر پدید آید که وظیفه اصلی آن گشودن گره های فهم این پیام آسمانی و نزدیک تر شدن فهم انسان به مقصود و مراد پروردگار است. پر واضح است که دانش تفسیر با برخوردارى از جایگاه مربوط به این کتاب مقدس از ضوابط و مقررات ویژه ای پیروی کند تا در راستای وظیفه خود عمل کرده به ورطه انحراف و کجروی نیفتد. از این رو عالمان عرصه قرآن پژوهی قواعدی را برای آن وضع کرده اند. البته پایبندی به این ضوابط هرگز مانع بالندگی و تنوع این دانش و پدید آمدن تفاسیر مختلف نگردیده

از ویژگی های ایشان در مسائل علمی این است که معتقدند برای اینکه فردی اسلام شناس و مجتهد در معارف اسلامی به معنای عام شود لازم است به تمامی علوم اسلامی بپردازد. از تفسیر قرآن و علوم قرآنی و علوم حدیث و رجال و درایه تا فقه و اصول و در نهایت اعتقادات و فلسفه و عرفان همه و همه در گستره علوم اسلامی جای دارند و در منظومه معرفتی اسلام شناسی نقش خود را ایفا می کنند. و البته مجتهد محقق کسی خواهد بود که در این عرصه های متعدد به پی ریزی بن مایه های معرفتی خود بر مبنای عقل و نقل پرداخته باشد. از این رو خود ایشان در تدریس های خود در سالیان متعدد به تمامی این حوزه های معارف اسلامی پرداخته اند و شاید این خصوصیت ایشان که در جهان اسلام نمونه هایی مانند امام خمینی (ره)، علامه طباطبائی (ره) و آیت الله جوادی آملی و ... داشته است، در جهان عرب کم نظیر باشد.

است. که این موضوع علاوه بر قابلیت ژرفناکی قرآن کریم از امکان چندسویه‌نگری به این منبع آسمانی حکایت دارد. باید پذیرفت با وجود نقاط مشترک، فراوانی در روش‌های تفسیری که اغلب آنها به مباحث زبانی و روایی برمی‌گردد دیدگاه‌های تفسیری مفسران منعکس کننده زاویه نگرش آنان به قرآن و سطح ادراک و فهم ایشان از این کتاب است، و نه برابر با مقصود خداوند. از طرف دیگر قابلیت ماندگاری و جاودانگی این کتاب ایجاب می‌کند که تفاسیر آن با وجود بهره‌گیری از دیدگاه‌های پیشینیان پیوسته به تناسب عصر و زمان و نیازهای مخاطبان نو شود. و همین سبب نگارش و تألیف منابع جدید تفسیری است. مؤلف این اثر حضرت علامه سید کمال حیدری به جهت تتبع‌های فراوان و تکیه بر متن قرآن به‌عنوان معتبرترین سند اسلامی در زمینه تفسیر قرآن کریم به نگارش این اثر پرداخته و کوشیده است پس از ارائه مقدمه کوتاهی در بیان روش‌ها و ضرورت‌های تفسیر قرآن وارد به عرصه تفسیر آیات سوره مبارکه حمد گردند. علاوه بر ویژگی دقت و همه‌جانبه بودن این تفسیر تکیه بر منابع متعدد در گردآوری مطالب آن بسیار در خور تقدیر است. این اثر توسط آقای حیدر آل طه از عربی به فارسی برگردانده شده است. و پس از بازنگری و ویراستاری اکنون در اختیار خوانندگان گرامی قرار می‌گیرد. امید است برای علاقه‌مندان به فهم قرآن کریم سودمند افتد.

والله من وراء القصد

تابستان ۱۳۹۲

دانشگاه امام صادق (ع)

## مباحث مقدماتی

### دیباچه

تفسیر قرآن کریم به شناخت کاملی از مجموعه مقدمات تفسیری نیاز دارد، از جمله آنها - بلکه مهمترین آن - آشنایی بر روش‌های تفسیری است، و آگاهی از قواعد و اصولی است که به‌عنوان عناصر مشترک در فهم این متن محسوب می‌شوند.

از این جا اهمیت پژوهش در مجموعه مقدمات تفسیری، که به‌صورت عملی بر جریان علمی تفسیر تأثیر دارد، مشخص می‌شود. از جمله این مباحث - اگر نگوئیم مهمترین آنها - موضوع روش‌های تفسیری است، همراه با مجموعه اصول مقدماتی دیگری که به‌صورت فرعی در ترسیم سیمای نگاه تفسیری که در پی ارائه آن هستیم.

کما این که نباید از اهمیت نگاه نقادانه بر این مقدمات غافل بود، به‌ویژه نسبت به فهم تفسیری مفردات قرآنی و تأثیر آشکار آن بر نتایج قطعی و عملی تفسیر، که علاوه بر پایبندی به اولویت تفسیری یا روش موضوعی باید انجام گیرد؛ که برخی گمان می‌کنند این روش مانع پژوهش عمیق در مفردات قرآنی می‌گردد، یا به‌معنای متن نسبت به‌معنای مفردات اولویت می‌دهد، اما بدون شک در غیر این صورت لغزش فراوان شخص در فهم معارف قرآنی را به دنبال خواهد داشت. برای حرکت صحیح در این

موضوع، زمینه‌ای جز شناخت صحیح از صورت و ماده مفردات قرآنی وجود ندارد. همین امر باعث شد [در این تفسیر] روش جامع را پیش بگیریم که روشی ترکیبی است و در آینده شرح آن خواهد آمد.

به امید آن‌که ارائه این اصول و مقدمات برای تبیین تفسیر، مفید و موفقیت‌آمیز باشد و بتواند گام‌های مؤثری در شکل‌گیری نقشه جدید تفسیر معاصر برداشته و راهی خارج از زیاده‌گویی و تکرار بی‌ماید.

### تفسیر در لغت و اصطلاح

«تفسیر» در لغت به معنای توضیح و تبیین است. مصدر فسر (با تشدید سین) مضاعف فسر می‌باشد. تشدید آن معنای متعدی ندارد، بلکه بر کثرت دلالت دارد، و نشان‌دهنده تلاش فکری مفسر برای به دست آوردن معانی دقیق آن و انتخاب مناسب‌ترین الفاظ برای بیان که تلاش فراوانی را می‌طلبد، مخفف آن مصدر «فسر» است. هر دوی آنها به معنای کشف و تعیین است. در قاموس آمده: «فسر: ظهور و کشف از پوشیده است همچون تفسیر»، و در لسان عرب آمده: «الفسر: بیان، و تفسیر همانند آن است»، سپس گفت: «الفسر: کشف از پوشاننده، و تفسیر کشف مراد از الفاظ مشکل است».

اما در اصطلاح، هر چند که در تعریف و بیان حد تفسیر اختلافاتی وجود دارد، اما با توجه به وجه مشترک این تعاریف، که موضوع تمامی مسائل تفسیری و خصوصیات آن است، می‌توان به مضمون مباحث تفسیری نزدیک شد، و آن همانا قرآن کریم است.

بنابراین قرآن کریم - که سخن باری تعالی که بر قلب پیامبر خاتم (ص) نازل شده است - موضوع تفسیر است. و از این جهت که کلام الهی است، موضوع تفسیر، بیان مراد الهی در چارچوب متن قرآنی خواهد بود، به اندازه توانایی بشر و سطح معرفتی مفسر، و با این قید آشکار می‌گردد که مفسر - غیر معصوم - نمی‌تواند با قطع و یقین اعلام کند که مراد خداوند متعال این است و لا غیر.

علاوه بر آن میان کلام و مراد از کلمات باری تعالی تفاوت آشکاری وجود دارد، چه این‌که کلمات به معنای بحث لغوی در دایره وجود لفظی قرآن کریم است، اما کلام به معنای بحث در محتوای جمله، آیات، سوره و مضامین مشترک یک موضوع است، گرچه در کتاب پراکنده باشد، همان‌گونه که در مبحث روش تفسیر موضوعی به آن اشاره خواهیم کرد.

و کلمه گرچه در [معنای] ترکیبی جمله نقش دارد، اما در قرآن کریم به عنوان هدف مطرح نیست و به خودی خود در تفسیر به‌عنوان مقصد محسوب نمی‌شود، بر خلاف جمله که هدف قرآنی و مقصد تفسیری محسوب می‌شود، در قرآن کریم جمله نیز هدف غایی نیست، بلکه همچون حلقه‌ای است که در کنار حلقات دیگر موضع قرآن کریم در یک موضوع خاص را مشخص خواهد کرد.

### روش تفسیر و اهمیت آن

پس از روشن شدن معنای تفسیر و بیان اهمیت آن در فهم قرآن کریم، سئوالی در سطح بسیار بالا و با اهمیت فوق‌العاده‌ای مطرح می‌شود: روش‌های تفسیر قرآن فراوانند، کدام روش می‌تواند هدف شناختی قرآن را بر عهده بگیرد؟

اما قبل از پاسخ به این سئوال ابتدا باید حقیقت روش تفسیر و اهمیت آن را بیان، سپس روش‌های تفسیر متداول که با هدف این تفسیر مناسب دارد را مطرح نماییم.

همان‌گونه که عسکری در فروق اللغات ذکر کرده است روش در لغت به معنای «راه روشن» است.<sup>۱</sup> و در اصطلاح، از این لفظ گاهی به روش و صورت استدلال اطلاق می‌شود، از این رو منطق ارسطویی به منطق صوری

۱. در متن اصلی «غانبا» آمده که ظاهراً اشتباه تایپی است. م.

۲. الفروق اللغویة، ابی‌حلال عسکری، تحقیق: مؤسسه نشر اسلامی، انتشارات جامعه مدرسین قم، چاپ اول، ۱۴۲۲ق، ص ۲۹۸.



نیز خواننده می‌شود، برای این‌که کیفیت استدلال را بیان می‌کند، بنابراین منظور از روش این خواهد بود که اگر استدلال قیاسی داشته باشیم، یا اقترانی است یا استثنائی، در صورت اول یا به شکل اول، یا دوم یا سوم است و الی آخر.

و گاهی از آن به عنوان ابزار فنی برای ثبت موضوع و تقسیم آن بر اساس بخش‌های موجود در علوم است، برای مثال زمانی که از روش تاریخی سخن می‌گوییم، مراد از آن مراحل است که پژوهشگر تاریخ بر اساس آنها به جمع اسناد و نقد داخلی و خارجی آن می‌پردازد، و سپس واقعه تاریخی را نقل و در نهایت آن را علت‌یابی می‌نماید.

اما این معنا، که لفظ را صرفاً در سطح ابزار فنی پایین خواهد برد، و نیز معنای اول مدنظر نیست، بلکه معنای سوم از این لفظ مدنظر ماست و آن عبارت است از: مجموعه قوانینی است که انسان برای استنباط حقایق و عقاید خاصی به آنها نیاز دارد؛ یا کشف اصل قوانینی است که برای کشف یکی از حقایق از آن بهره می‌جویند.

بر این اساس شخصی که برای کشف حقیقت از قوانین عقلی استفاده می‌کند روش عقلی را برگزیده، و کسی که بر ادله نقلی تأکید دازد روش نقلی خواهد داشت، و هر که برای اثبات ادعای خود بر اساس تجربه عمل نماید روش تجربی دارد، و هر که مکاشفات عارفانه را به عنوان راه کشف حقیقت برای خود برگزیده روش کشفی دارد و الی آخر.

بنابراین منظور از روش در این بحث مجموعه قواعد و قوانینی است که استفاده از آنها به شرط عدم وقوع در خطا، شخص را به نتایج قطعی و حتمی می‌رساند.

از این‌جا اهمیت روش در مجال‌های مختلف شناخت آشکار می‌شود، پژوهشگری که روش خود را قبلاً مشخص نکرده باشد به مهلکات معرفتی دچار خواهد شد که پژوهش برای اثبات مدعا صرفاً او را از هدف دور خواهد کرد، و چه بسا معنای روایت منقول از امام صادق (ع) نیز همین باشد

که فرمودند: «عمل‌کننده بدون بصیرت همانند شخصی است که در بیراهه حرکت می‌کند هرچه سریع‌تر حرکت نماید بیشتر [از مقصد] دور خواهد شد»<sup>۱</sup>، و بصیرت در این مقام همان روش است.

واضح است که تعیین روش تحقیق قبل از ورود به بحث، اهمیتی کمتر از خود روش ندارد؛ چه این‌که داشتن دلایل فراوان اما آشفته بدون روش، استدلال را مختل خواهد کرد حتی اگر آن ادله یقینی باشند.

آگاهی بر جایگاه روش استدلال به طور کلی و در تفسیر به طور خاص، از آشفتگی در تحقیق، که بسیاری از بزرگان اسلامی در تألیفات و مجاللات مختلف خود دچار آن بودند، جلوگیری خواهد کرد.

چنانچه بتوانیم عرف را به عام و خاص تقسیم نماییم، بخش قابل توجهی از تألیفات بزرگان اسلامی در نتیجه‌گیری و ارائه افکار خود راه عرف خاص را در پیش گرفتند، و این پژوهش‌های غیر روشمند آنان را از مسئولیت بازیابی نوشته‌های خود معاف نمی‌کند. چه این‌که عمل بر اساس عرف خاص صحیح نیست، به خاطر آن‌که بر قواعد صحیح علمی استوار نیست، از این رو می‌بینیم که در علم اصول - مثلاً - مسائلی از فلسفه، کلام، منطق، رجال و لغت نیز دیده می‌شود، و این اضطراب در روش همان‌گونه که در مباحث علم اصول مطرح گردید، نتایج غلط و مشکلات معرفتی فراوانی به وجود آورده است.

و بدون شک این آشفتگی در شناخت و انحراف به عرف غیر روشمند، در تمامی مراحل تاریخی تفسیر نیز وجود داشته، چه در مرحله تأسیس نظری آن و چه در مرحله ثبت و ضبط مسائل آن یا در مراحل بعدی در نمونه‌های محدود خود، سعی در روشمند کردن مباحث و پیمودن راه ایده‌آل برای کشف حقایق قرآنی داشتند، و چه بسا به طور نسبی موفق بوده، و هر

۱. الاصول من الکافی، ثقة الاسلام ابی جعفر بن یعقوب کلینی، تحقیق: علی اکبر غفاری، نشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم: کتاب فضل العلم، باب من عمل بغیر علم، حدیث ۱، ج ۱، ص

چند تلاش‌های موفق و جدی بوده اما هنوز در ابتدای مسیر تأسیس نظری تفسیر است.

و به خاطر اهمیت فوق‌العاده نتایج مأخوذ از آن که مهمترین آنها رسیدن سالم و موجز به مقاصد علم است، و نیز جهت شکوفایی این هدف در معرفت - که تحت عنوان ضرورت و اهمیت روش به آن اشاره کرده‌ایم - به تفصیل در این موضوع سخن خواهیم گفت.

### خطر گرایش‌ها در تفسیر قرآن

تمامی پیشامدهای فردی، اجتماعی، اعتقادی و شرایط زمانی محیط در هر عصری، در تشکیل گرایش مفسر برای برداشت نتایج قبلی خود از متن که سابقاً وجود داشته نقش دارند.

گرایش با روش تفسیر، در نتیجه‌گیری شناخت‌ها از متن قرآنی، تفاوت موضوعی دارد. همان‌گونه که روش تفسیر نقش مثبتی را در کشف و فهم معانی قرآنی ایفا می‌کند، گرایش‌های تفسیری نقش کاملاً متفاوتی دارد که شخص، همراه با گرایش‌های فکری، اعتقادی و قومی خود پیش می‌رود و از متن قرآنی برای توجیه عقاید سابق ذهنی خود بهره می‌گیرد. و [این عمل] در کلامی وسیع‌تر بدین معناست که نتایجی که صاحب گرایش از قرآن استنتاج می‌کند همان معلومات سابق اوست.

لازم به ذکر است که بازخوانی تفاسیر و بررسی دقیق آنها نشان خواهد داد، فقط تعداد کمی از آنها با نسبت‌های متفاوت از دایره گرایش‌ها خارج خواهند شد، و برخی از آنها را کاملاً در خدمت توجیه اهداف و اغراض اعتقادی یا فکری خود خواهیم دید، و در برخی دیگر اهداف سیاسی یا قومی و قبیله‌ای دیده می‌شود.

به هر حال خالی کردن ذهن از پایه‌های اعتقادی، اجتماعی، فکری و سیاسی خود قبل از تفسیر کار بسیار سخت و دشواری است، به‌ویژه اگر حالت انسداد معرفتی فردی و عدم پذیرش برداشت‌های مخالف، به‌طور کلی

یا جزئی در شخص به‌وجود آمده باشد.

خطر گرایش‌ها در این است که سعی دارند به غلط نگاه جهان‌بینی الهی مبتنی بر ستون‌های شریعت ارائه دهد، و گروهی از مردم را به گمراهی و هلاکت دچار می‌کند.

از این رو می‌بایست خواننده گرامبی و به‌ویژه پژوهشگران به منابع معارف به‌طور کلی در علوم اسلامی و مخصوصاً در منابع تفسیری توجه نمایند، و از طرفی دیگر نسبت به موضع‌گیری و نتیجه‌گیری از نگاه دین که نوعاً بر اساس مسئولیت شرعی در مقابل ملت انجام می‌گیرد نیز توجه فراوان داشت. و چه بسا یکی از خطرات گرایش‌های تفسیری این است که مفسر را ناخواسته به سوی تفسیر به رأی، که روایات صحیح فراوانی در ذم و تحریم آن وارد شده، سوق می‌دهد.

یکی دیگر از مسائلی که خطر آن از آنچه گذشت، کمتر نیست: جوامع تفسیری است که در دایره گرایش‌ها قرار گرفته‌اند، که معمولاً بخش وسیعی از شهرت بلکه اجماع را تشکیل می‌دهد و در نتیجه به عوام و حتی خواص گمان مشروع بودن ادعاها و صحت مقدمات آنها، و برای متأخرین دواعی التزام به آنها را به‌وجود می‌آورد.

از این رو می‌بینیم تلاش‌های فراوانی برای جلوه دادن این گرایش‌ها به صبغه علمی و معرفتی، تحت عناوین مختلفی همچون مذاهب و مدارس و مشابه آن انجام شده است.

به هر حال هر تفسیری که در چارچوب روش تفسیری معتبر قرار نگیرد، همچون گرایشی خواهد بود که اغلب آن نتایج منفی در ساختار معرفتی تفسیر انباشته خواهد کرد، و از آنچه گذشته ضرورت التزام به روش تفسیری که تفسیر را راهبری و نتایج آن را مفید و پربار نماید، مشخص می‌گردد.

## تفسیر به رأی

یکی از عوامل اصلی کندهی حرکت تفسیر که مفسر را در معنایابی و غوص در اعماق آن باز داشته و گاهی به عنوان مانعی برای استفاده از قرآن تلقی شده، متون مستفیضی است که فریقین از پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) نقل شده و از پدیده تفسیر به رأی در قرآن سخن گفته‌اند.

• سعید بن مسیب از عبدالرحمن بن سمره نقل می‌کند که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «هر کس قرآن را به رأی خود تفسیر نماید بر خداوند دروغ بسته است»<sup>۱</sup>.

• از سعید بن مسیب از ابن عباس نقل شده که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «هر که به رأی خود درباره قرآن سخن بگوید، جایگاه خود در آتش را آماده کرده است»<sup>۲</sup>.

• ابو بصیر از امام صادق (ع) نقل کرده که ایشان فرمود: هر کس قرآن را تفسیر به رأی نماید اگر درست باشد اجری نبرده، و اگر اشتباه باشد از [جایی] دورتر از آسمان به پایین افتاده است.<sup>۳</sup>

• از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که ایشان فرمودند: هر که به رأی خود درباره قرآن سخنی بگوید حتی اگر درست باشد به اشتباه رفته است.<sup>۴</sup> ابوداؤد، ترمذی و نسایی این روایت را نقل کرده‌اند.<sup>۵</sup>

۱. تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، فقیه محدث شیخ محمد بن حسن الحر العاملی. متوفی ۱۱۰۴هـ تحقیق: مؤسسه آل البیت (ع) لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۲ق: کتاب القضاء، الباب ۱۳ من ابواب صفات القاضی، حدیث ۳۷، ج ۲۷ ص ۱۹۰.

۲. تفسیر طبری معروف به: جامع لبیان فی تفسیر القرآن، لابی جعفر محمد بن جریر الطبری، متوفی سنة ۳۱۰هـ مرکز کتاب علمی قاهره، انتشارات دار الکتب العلمیة، بیروت - لبنان ۱۴۱۸ق: ج ۱، ص ۵۸.

۳. وسائل الشیعة (تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة): الباب ۱۳ من ابواب صفات القاضی، حدیث ۶۶، ج ۲۷، ص ۲۰۲.

۴. الاتقان فی علم القرآن، امام سیوطی، متوفی ۹۱۱ق، دار الفکر، لبنان، چاپ اول، ۱۴۱۶هـ ج ۲، ص ۴۴۵.

۵. ترمذی در سنن (۲۹۵۰-۲۹۵۱) و نسائی در الکبری (۸۰۸۴-۸۰۸۵) و طبری در تفسیر: ج ۱،

از این رو گروهی از بزرگان سعی کرده‌اند با بررسی این متون جواب‌هایی برای این موضوع ذکر کنند. و ما در کتاب اصول التفسیر و التأویل این اقوال را نقل و بررسی کرده‌ایم.<sup>۱</sup>

خلاصه این بررسی چنین بود که: مقوله تفسیر به رأی به یکی از دو صورت ذیل است، که با یکدیگر رابطه مانعه الخلو دارند و نه مانعه الجمع، و این دو به قرار ذیل است:

معنای اول: تفسیر به رأیی که مورد نهی قرار گرفته به طریق کشف معنا و نه مکشوف عنه مربوط می‌شود، به این معنا که تفسیر به رأی نسبت به روش و راهی که مفسر طی کرده مطرح می‌گردد، بنابراین چنانچه مفسر روش و طریق اشتباهی را پی بگیرد به تفسیر به رأی نهی شده گرفتار گشته، و به طور منطقی و طبیعی نتایج اشتباهی خواهد گرفت، هر چند ممکن است گاهی نیز به صواب رفته باشد.

به عبارت دیگر آنچه توسط پیامبر اکرم (ص) نهی شده، فهم و درک معنای کلام الهی همانند روش فهم کلام دیگران است، که گرچه ممکن است این روش گاهی صواب باشد، یعنی از این طریق که کلام الهی را با سخن مردم قیاس نماید، و همان‌گونه که - معمولاً - نزد عقلا در مواجهه با تمام گفتارها مرسوم است سخن مردم را بدون تطبیق قواعد کشف معانی گوییم منظور این سخن چنین است، برای این که سخن را بر اساس لغت و مصادیق کلمات در حقیقت و مجاز می‌شناسیم.

اما قرآن کریم - که سخنان خداوند متعال است - بر این روش جاری نیست، بلکه در عین جدایی به هم پیوسته و مرتبط است، بخشی از آن برای بخش دیگر مبین و شاهد است - همان‌گونه که در بخش برگزیده شده برای تفسیر خواهد آمد - بنابراین همان‌گونه که از آیه «افلا یتدبرون القرآن ولو

ص ۵۹، طبرانی در معجم الکبیر (۱۳۳۹۲) نقل کرده‌اند.

۱. اصول التفسیر و التأویل، سید کمال حیدری، دار فراقه للطباعة و النشر: ص ۲۱۱-۲۳۸.

كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافًا كثيرًا» (النساء: ۸۲)؛ برداشت می‌شود، برای کشف معنای یک آیه تطبیق قواعد موجود در کشف معانی صرفاً بر آن آیه بدون بررسی و تدبیر در آیات مرتبط دیگر کافی نخواهد بود. و دلیل این معنا کلام پیامبر اکرم (ص) است که فرمود: «هر که به رأی خود درباره قرآن سخن بگوید هر چند صواب باشد به خطا رفته است»، چه این که حکم بر اشتباه بودن تفسیر با فرض صواب بودن، فقط به خاطر اشتباه در راه و روش است. و همانند قول ایشان (ع) که فرمود: «اگر صواب گوید اجری نخواهد داشت».

معنای دوم: مفسر گرایش و مذهب خاصی داشته باشد و قرآن را به رأی خود به تأویل ببرد و معانی آن را به صورت غیر متعارف برداشت نماید. پس چنانچه این مفسر نگاه مذهبی خود را حذف نماید و صرفاً به تفسیر متن پردازد، نتیجه دیگری خواهد گرفت، چه بسا مفسر برای ادعای خود دلیلی بیاورد، و اصل دلیل نیز صحیح باشد اما بر ادعای او انطباق ندارد، و صرفاً برای استدلال بر عقیده مذهبی خود در این موضوع نقل شده است. و بنابراین مقصود او متن و یا حتی اصل دلیل نیست، بلکه از ابتدا صرفاً جهت اثبات مدعای خود از متن قرآنی بهره جسته است.

البته نباید گمان کرد تمایل مفسر به اعتقادات و اطلاعات قبلی خود هنگام خواندن و فهم قرآن کاملاً مردود است، بلکه تطبیق این اعتقادات و اطلاعات ذهنی بر متن قرآن کریم باطل و ناصواب است. و این همان معنایی است که با اصطلاح گرایش در تفسیر از آن یاد کرده‌ایم.

و چه بسا این مطلب در تفاسیر متعددی یافت می‌شود:

- مفسر بر اساس روش کلامی خاصی، در راستای مذهب و گرایش کلامی خود، آیات قرآن را تفسیر کرده، آیات موافق عقیده خود را أخذ می‌کرده و آیات مخالف را بر اساس مذهب خود به تأویل می‌برد.

- یا بر اساس روش فلسفی خاصی، که فلاسفه نیز همانند متکلمین در تأویل آیات بر خلاف ظاهر آن در مقابل مسلمات فلسفه به معنای اعم - یعنی ریاضیات و طبیعیات و هر دو بخش الهیات و حکمت عملی - به چاه افتاده‌اند، به ویژه طرفداران مدرسه مشاء که آیات ماوراء الطبیعه، آفرینش، حدوث آسمان‌ها و زمین و آیات برزخ و معاد را به تأویل برده، بلکه حتی آیاتی که مخالف فرضیه‌ها و قوانین اعتباری علوم طبیعی از نظام افلاک و ترتیب عناصر و قوانین فلکیه و عنصریه گرفته تا دیگر مسائل آن را نیز به تأویل برده‌اند؛ با این که خود به صراحت گفته‌اند که این نظریه‌ها بر اساس قوانین اعتباری و فرضیاتی که هیچ دلیل و برهانی بر آن اقامه نشده پایه‌ریزی شده است.

- یا آنچه را که در تفاسیر به روش متصوفه دیده می‌شود، که به خاطر اهتمام به سیر باطنی آفرینش و توجه به آیات انفسی و ترک عالم ظاهر و آیات آفاقی، تنزیل را رها کرده و به تأویل اکتفا کردند. در نتیجه مردم به تأویل جسارت پیدا کرده و بر اساس آن شعر گفتند، و از هر مسئله‌ای بر هر مسئله دیگری استدلال کرده تا این که به تفسیر آیات بر حسب جُمَل [و ابجد] و ارجاع کلمات به آیات نورانی و ظلمانی و غیره رسیدند.

و آشکار است که قرآن کریم صرفاً برای هدایت متصرفه نازل نشده، و مخاطبین آن اهل علم اعداد و اوقاف و حروف نیستند، و معارف آن نیز بر اساس حساب ابجد که منجمین پس از ترجمه علم نجوم از یونانی و غیره به عربی انتخاب کرده‌اند، نیست.